

اخبار اجتماعی

آخرین آمارها از وضعیت خشکسالی در کشور
سیطره خشکسالی انباشته
بر ۹۸ درصد مساحت ایران

رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی از وجود خشکسالی بلندمدت در ۹۸ درصد مساحت ایران خبر داد و گفت: خشکسالی‌های انباشته و بلندمدت نشان‌دهنده وضعیت خطرناک آب است.

صادق ضیاییان در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به آخرین وضعیت کشور به لحاظ خشکسالی اظهار کرد: بر اساس شاخص ۱۰ ساله (SPE) بارش، دما و تبخیر، ۹۸٫۱ درصد مساحت کشور دچار درجات مختلف خشکسالی است و در این بازه زمانی، تنها ۱٫۶ درصد مساحت کشور در وضعیت نرمال و سه دهم درصد مساحت ایران در شرایط ترسالی قرار دارد.

وی با تأکید بر اینکه خشکسالی‌های بلندمدت و انباشته، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب آبی است، گفت: در بازه ۱۰ ساله گذشته، صد درصد مساحت استان‌های البرز، ایلام، بوشهر، خراسان جنوبی، خوزستان، زنجان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، قم، کرمان کهگیلویه و بویراحمد، مرکزی، هرمزگان و یزد با درجات خفیف، متوسط، شدید و بسیار شدید خشکسالی درگیر هستند.



افزایش سرقت از منازل
تگران کننده است



رئیس پلیس آگاهی ناجا با اشاره به کاهش وقوع سرقت در برخی موارد از جمله سرقت خودرو، موتورسیکلت و ...، از افزایش کشف پرونده‌های سرقت طی ۴ ماه ابتدای سال خبر داد و در عین حال، سرقت از منازل که تأثیر بالایی در احساس ناامنی دارد، انگران‌کننده دانست. سردار محمد رضا مقیمی، با اشاره به وضعیت وقوع برخی جرائم و میزان افزایش یا کاهش وقوع آن‌ها طی ۴ ماه نخست امسال اظهار کرد: با توجه به تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده توسط نیروی انتظامی و همکاران‌مان در پلیس آگاهی، خوشبختانه وقوع جرائم در بسیاری از موارد از جمله سرقت‌های مهم کاهش داشته است. به‌عنوان مثال وقوع سرقت از مغازه‌ها و پلافروشی‌ها کاهش داشته و این کاهش برای سرقت خودرو در ۴ ماه نخست امسال به میزان ۵ درصد برای سرقت محموله ۱۴ درصد بوده است. رئیس پلیس آگاهی ناجا اضافه کرد: آن‌چه در سرقت‌های پراهمیت‌نگران‌کننده است، سرقت منازل است که تأثیر بسیار بالایی در احساس امنیت شهروندان دارد و عمدتاً مردم هم برای پیشگیری از این سرقت‌ها چندان نکات ایمنی را رعایت نمی‌کنند. البته من تصور می‌کنم که افزایش سرقت از منازل ناشی از وضعیت اقتصادی کشور است. در ۴ ماه ابتدای سال، سرقت منازل ۱۰ درصد افزایش داشته است و البته با توجه به اینکه اولویت کشفیات مادر سرقت، کشف پرونده‌های سرقت از منازل است، میزان کشفیات سرقت از منازل نیز ۱۱ درصد افزایش داشته است. او با تأکید بر اینکه منازل مسکونی شهروندان باید عاری از نقدینگی شود گفت: ما مواردی داشته‌ایم که از یک منزل مسکونی ۲۰۰ میلیون تومان، ۵۰۰ میلیون تومان و حتی در یک فقره سرقت میلیاردی شمش طلا انجام شده است و این نقدینگی بالا در منازل، جذابیت سرقت منازل را افزایش داده است.



تأکید «ابتکار» بر حمایت از
مشاغل خانگی زنان

معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بر حمایت از مشاغل خانگی زنان تأکید کرد. به گزارش ایسنا، معصومه ابتکار در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران با اشاره به سهم زنان در پست‌های مدیریتی و گزارش این معاونت در این باره گفت: از ازل قرار بود ۳۰ درصد این پست‌ها در اختیار خانم‌های شایسته قرار گیرد. امروز بخش اول کارنامه خود در این باره را در دولت ارائه دادم. وی افزود: بر این اساس در یکسال گذشته ۱۷۴ مدیر زن در سطح پایه و میانی در استان‌ها منصوب شدند که هنوز تا ۳۰ درصد فاصله داریم، اما این آمار نشان می‌دهد تحرک خوبی را در سطح استان‌ها داشتیم. البته مدیران عالی در حوزه استان‌ها خیلی کم داریم.

کسانی که به محیط زیست
شهری بی توجهی می‌کنند
و بارفتاری مثل آشغال
ریختن این بی توجهی را
به نمایش می‌گذارند، از
نظر هنجاری بر دیگران
غلبه دارند. چون معمولاً با
اعتراض روبه‌رو نمی‌شوند

مقابل هر دو یک واکنش دارد». اما چرا چنین است که هر دستگاه اجرایی به معضلی برمی‌خورد و نمی‌تواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد، زود انگشت اتهام خود را به سوی صدا و سیما می‌گیرد؟ درست است که تلویزیون رسانه تأثیرگذاری است، اما واقعیت این است که حتی با مسئول دانستن صدا و سیما، باید بازگردیم و به همه مسائل و معضلات زیرساختی و نیز کوتاهی‌هایی که اتفاق افتاده و می‌افتد، نگاه کنیم. چون در این میان، علاوه بر رسانه ملی، باید به نقش تربیتی آموزش و پرورش، وزار تخانه‌های دیگر، شهرداری‌ها و ... توجه کنیم و ببینیم که آن‌ها چه باید می‌کرده‌اند، که نکرده‌اند.

هم مقصریم، هم مسئول!

دکتر نیره توکلی جامعه‌شناس، اشاره می‌کند: «یک تصور عمومی وجود دارد که چون بالایی‌ها خیلی چیزها را رعایت نمی‌کنند، ما هم تا آن‌جا که از دست‌مان بر می‌آید چیزهایی را که مربوط به خودمان است رعایت نمی‌کنیم. او تأکید می‌کند: «تنها با شکل‌گیری نهادهای مدنی و تقویت آن‌ها است که می‌توان به ایجاد رابطه در ست بین مردم و دولت امیدوار بود. باید سازمان‌های مدنی وجود داشته باشند، که مردم با عضویت در آن‌ها و انجام وظایف محوله بدانند که دارند کاری انجام می‌دهند و در مدیریت شهر و سرنوشت خودشان موثر هستند و از این‌رو مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان دهند». این جامعه‌شناس معتقد است: «تا جامعه مدنی درستی نداشته باشیم، ارتباط درستی بین مردم و دولت ایجاد نمی‌شود، تا این ارتباط ایجاد نشود، مسئولیت‌پذیری هم در مردم شکل نمی‌گیرد.»

که در کوچه و خیابان زباله می‌ریزد، بر خورد مدنی از سوی مردم اتفاق نمی‌افتد. یعنی کسی به کسی در این مورد اعتراض نمی‌کند و این رفتار را بد نمی‌داند». دکتر علی احمدی می‌گوید: «آشغال ریختن از نظر اجتماعی عیب محسوب نمی‌شود! کسانی که به محیط زیست شهری بی‌توجهی می‌کنند و با رفتاری مثل آشغال ریختن این بی‌توجهی را به نمایش می‌گذارند، از نظر هنجاری بر دیگران غلبه دارند. چون معمولاً با اعتراض روبه‌رو نمی‌شوند، از رفتار خودشان، خجالت نمی‌کشند و به نظرشان می‌آید این یک رویه عمومی است». امید علی احمدی جامعه‌شناس، رفتار مردمی را که به آشغال ریختن دیگر اعتراض نمی‌کنند، این‌طور تحلیل می‌کند: «به خاطر بحران‌های مختلفی که در جامعه‌مان با آن روبه‌رو هستیم، مردم نسبت به موضوعات جمعی بی‌توجه هستند و سعی می‌کنند سرشان در لاک خودشان باشد، بنابراین، معمولاً اعتراضی در برابر رفتار دیگران از خود نشان نمی‌دهند.»

علی احمدی ادامه می‌دهد: «ما به عنوان شهروند، هیچ‌وقت احساس نکرده‌ایم که در مقابل استفاده از طبیعت یا شهر محل زندگی‌مان، باید مسئولانه رفتار کنیم. یا آموزش دهنده‌ای در این زمینه وجود ندارد، یا آن‌هایی که بوده‌اند خوب عمل نکرده‌اند». او معتقد است که به‌خصوص رسانه ملی به وظیفه خود در این مورد عمل نکرده، چون بیشترین مخاطب از میان اقشار مختلف را دارد و می‌توانست از اسن پتانسیل به خوبی استفاده کند. دکتر جوزانی، مدیر کل حوزه معاونت اجتماعی شهرداری تهران نیز بر وظیفه رسانه ملی تأکید دارد؛ اومی‌گوید: «ما هر بار که به آن‌ها (صدا و سیما) گفته‌ایم بیایید یک برنامه میان‌سازمانی برای آموزش مردم در جهت ارتقای سطح زندگی‌شان داشته باشیم، اولین چیزی که خواسته‌اند پول بوده است. یعنی این سازمان فرقی بین برنامه‌ای که برای ارتقای سطح زندگی مردم باید انجام شود و یک تیزر تبلیغاتی نمی‌بیند و در

اخلاق یا فرهنگ شهروندی در جامعه ما به قدر کافی رشد نکرده، چون آموزش و پرورش یا هر نهاد مرتبط دیگری، نتوانسته‌اند در جامعه‌پذیری مردم نقش فعالی داشته باشند. گویی که اصلاً برنامه‌ای هم برای این موضوع ندارند. فرهنگ شهروندی وقتی به وجود می‌آید که مردم هم در تعیین سرنوشت خودشان سهیم و موثر باشند. مشارکت شهروندی، در جامعه ما نهادینه نشده و به تبع فرهنگ شهروندی ملموسی هم وجود ندارد یا کمتر و در میان قشر خاصی دیده می‌شود.



ما ملتی هستیم که
با یک تعطیل چند
روزه، بیماری «سندرم
شمال» مان، عود می‌کند
و دسته جمعی می‌رویم که
زباله تولید کنیم

باشند، بلکه آن‌جا را، بیرون از خانه را، مال دولت و فضای دولت می‌دانند و عادت کرده‌اند یا حتی معتقدند که یک متولی هست که در نهایت به امور این فضا رسیدگی می‌کند و نیازی به مشارکت آن‌ها نیست». علی احمدی تأکید می‌کند که «هر چه فاصله میان فضای دولت و فضای مردم بیشتر شود، احساس بیگانگی در مردم تشدید می‌شود و این احساس به کاهش رفتار مسئولانه دامن می‌زند. پس طبیعی است که وقتی بزرگ‌ترها احساس بیگانگی دارند و با رفتاری مثل آشغال ریختن این حس را بروز می‌دهند، کودکان هم با آن حس بزرگ می‌شوند. چنان‌چه در طول سال‌ها این رویه ادامه دارد و با کسی

که متأسفانه به‌صورت محدود در بحث شورایی‌ها شاهدش هستیم، و در هیچ عرصه دیگری به این معضل توجه نمی‌شود و همین عدم اهمیت به مشارکت مردمی است که موجب بی‌تفاوتی مردم شده است.» علی احمدی در ادامه چنین توضیح می‌دهد: «اخلاق یا فرهنگ شهروندی در جامعه ما به قدر کافی رشد نکرده، چون آموزش و پرورش یا هر نهاد مرتبط دیگری، نتوانسته‌اند در جامعه‌پذیری مردم نقش فعالی داشته باشند. گویی که اصلاً برنامه‌ای هم برای این موضوع ندارند. فرهنگ شهروندی وقتی به وجود می‌آید که مردم هم در تعیین سرنوشت خودشان سهیم و موثر باشند. مشارکت شهروندی، در جامعه ما نهادینه نشده و به تبع فرهنگ شهروندی ملموسی هم وجود ندارد یا کمتر و در میان قشر خاصی دیده می‌شود.»

امیدعلی احمدی آشغال ریختن یا هر نوع رفتاری را که در آن «رعایت حال دیگران نمی‌شود» از منظری دیگر نیز نگاه می‌کند. او می‌گوید: «اگر چه فضای خصوصی، عمومی و دولتی در ایران قابل وجود دارد و قابل تفکیک است، اما هنوز در ذهن مردم ما جایی به عنوان «فضای عمومی» وجود ندارد. برای مردم ما، فضا تقسیم به دو بخش «فضای خصوصی» که شامل خانه و کاشانه خودشان می‌شود و «فضای دولت». از خانه که بیرون می‌آیند پای‌شان را به خیابان می‌گذارند، معتقدند که وارد فضای دولت شده‌اند. این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: «به همین دلیل احساس نمی‌کنند باید در محیط خارج از خانه‌شان هم مسئولانه نقش داشته

نیاورند، دیوار نوشته‌هایی را که «آشغال‌ریزه‌ها» را تهدید به لعنت ابدی والدین می‌کردند، این اتفاق به‌خصوص در زمین‌های رها شده و پشت دیوار حیاط منازل اتفاق می‌افتاد. مردم، از هر قشر و طبقه‌ای معمولاً آشغال و نخاله‌های خود را در چنین مکان‌هایی تخلیه می‌کردند و ساکنان اطراف برای مقابله با چنین رفتاری، ریزندگان آشغال و والدین‌شان را لعن و نفرین می‌کردند؛ آن‌هم به‌صورت کتبی! که البته چندان فایده‌ای نداشت و در نهایت ساکنین محل، خودشان ناچار می‌شدند آن ناحیه را تمیز کنند. این روزها از آن رفتارها و لعن و نفرین‌ها خبری نیست. چون فضای باز و رها شده چندان در شهر وجود ندارد. اما اتفاق ناگوارتری که افتاده این است که تمام عرصه شهر به یک زباله‌دانی بزرگ تبدیل شده و دامنه‌اش تادل جنگل‌ها و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها هم کشیده است. ملتی هستیم که با یک تعطیل چند روزه، بیماری «سندرم شمال» مان، عود می‌کند و دسته جمعی می‌رویم که زباله تولید کنیم.

فضای عمومی یا فضای دولتی!

دکتر امیدعلی احمدی، جامعه‌شناس، از «اعتراضی بودن» عمل آشغال ریختن در کوچه و خیابان و طبیعت، سخنی به‌میان نمی‌آورد، اما می‌گوید: «شهر یک هویت سیاسی اجتماعی است و مردم باید در امور شهری نقش داشته باشند. باید بدانند در آن‌چه دارد اتفاق می‌افتد نقش دارند تا در قبال رفتاری که از آن‌ها سر می‌زند، احساس مسئولیت کنند، اما مشارکت دادن مردم در امور مربوط به خودشان در شهر، مسئله مهمی است



آذر فخری، روزنامه‌نگار

هر سه به سمت میدان هفت تیر می‌رویم. قدم‌زنان، بی‌آن که عجله‌ای داشته باشیم. دو نفر از ما سه نفر، مادر و دختری هستند که من نمی‌شناسم‌شان؛ غریبه‌اند و رهگذر. من پشت سر آن‌ها راه می‌روم. دختر، در حال خوردن پفک است. ابتدا از این تعجب می‌کنم که چه‌طور مادری که به‌نظر می‌رسد تحصیل کرده هم باشد، اجازه می‌دهد فرزندش از این چیزها بخورد. این بماند. دختر ۱۴- ۱۵ ساله، همین که پفکش را تمام می‌کند، پلاستیک آن را همان‌طور که راه می‌رود، در پیاده‌رو‌های من نفسم می‌گیرد. از چنین مادر و دختری، در این ناحیه از شهر، با این تیپ و رستی که دارند، اصلاً انتظار چنین رفتاری ندارم. قدم سریع می‌کنم و آشغال پفک را از روی زمین برمی‌دارم و در دستم مچاله می‌کنم تا برسم به یک سطل آشغال. اما صبر کنید. داستان ادامه دارد. دختر؛ همان دختر، این بار کیک از کیفش درمی‌آورد و مشغول خوردن می‌شود. با خودم فکر می‌کنم احتمالاً چون وقت ناهار است، دختر بیچاره ناچار است با این چیزها خودش را سیر کند. اما حواسم هست که ببینم با آشغال کیکش چه می‌کند. از کنار بانکی رد می‌شویم که گلدان‌هایی جلوی پنجره‌اش گذاشته است، دختر در حالی که با مادرش در حال صحبت است، آشغال کیک را لای یکی از گلدان‌های می‌چپاند.

لعنت بر...!

شاید بعضی‌ها به خاطر

یادداشت

اگر این جاسوئیس نیست، پس کجاست؟!

آسیه‌ویسی

شاید برای خیلی از ما عجیب باشد که چرا این روزها از رئیس‌جمهور می‌پرسند آیا حواسش هست که رئیس‌جمهور ایران است و نه سوئیس! این پرسش، چه عجیب باشد و چه نباشد، نشان می‌دهد که مردم ما تا چه حد با رئیس‌جمهور خود و کلاً با دولت‌مردان‌شان راحت هستند و تعارف ندارند! البته این رابطه بدون تعارف، متقابل است و نتایجش کاملاً مشهود.

از طرف دیگر این پرسش، نکته ظریفی در نهاد خود دارد؛ این که دولت‌مردان ما، اصولاً از وضع زندگی و

ومعیشت مردم و فشارهایی که تحمل می‌کنند، آن‌چنان که باید و شاید، خبر ندارند و یا اگر خبر دارند، آن‌را با پوست و گوشت و استخوان خود درک نمی‌کنند. این‌ها بماند. اصلاً بحث ما بر سر دانستن و درک کردن نیست. راستش در چند روز اخیر خبرهایی از دو افتتاح و کلنگ‌زنی شنیدیم که باعث شد خود ما هم شک کنیم که مبادا واقعاً داریم در سوئیس زندگی می‌کنیم و خودمان خبر نداریم.

خبر اول مربوط می‌شود به افتتاح یک «سرسره» در روستای «کوزهرش» سلماس! در طی این افتتاح، بانویی از همان روستا، که شغل و سمتش هنوز مشخص نشده،

در حال بردن روبان دیده می‌شود و سپس، پیرمردی از همان روستا را می‌بینیم که روی سر سره نشسته و در حال افتتاح عملی آن است! بی‌هیچ مناقشه و جار و جنجالی، تنها سوال‌مان این است که آیا در آن روستا، کودکی برای استفاده از او در افتتاح سرسره، که قاعدتاً وسیله بازی کودکان است، وجود نداشت؟

خبر دوم هم مربوط می‌شود به کلنگ‌زنی «دو باب سرویس بهداشتی» در شهرستان مینودشت یا در طر قبه. این که در مورد محل کلنگ‌زنی این «دو باب سرویس بهداشتی» شک داریم به این دلیل است که دو خبر در این مورد در خبرگزاری‌ها مخابره شده، با این که محتوای هر دوی آن‌ها تقریباً یکی است، اما مکان کلنگ‌زنی، مورد تردید است! هر چند تاریخ‌های متفاوت، نشان می‌دهند که به‌ظن قریب به یقین، هر دو کلنگ‌زنی، در هر دو منطقه اتفاق افتاده و اگر به خبرگزاری‌های مختلف مراجعه کنید

